

تاریخ‌های به یاد ماندنی

آلكساندر ايليچ زيلوتی

به مناسبت هشتادمین سال مرگ موسیقی‌دان



تاریخ زایش: ۹ ماه اکتبر (۲۷ سپتامبر) سال ۱۸۶۳، در زمین‌های اِزنامنسکی بخش کازلووسکی، استان تامبوف، امپراتوری روسیه
تاریخ مرگ: ۸ ماه دسامبر سال ۱۹۴۵، شهر نیویورک، آمریکا

پیانست، رهبر ارکستر، سردبیر، آموزگار، موسیقی‌دان روشن‌اندیش. پیشینیان زیلوتی، یونانی‌هایی بودند که در دوران‌های دیرین در شاهزاده‌نشین مولداوی زندگی می‌کردند. گمان می‌شود اشتفان بزرگ، که دختر خود را به همسری پسر ایوان سوم، تزار روسیه داده بود، پایه‌گذار دودمان زیلوتی بوده. هنگامی که در ابتدای سده نوزدهم در بسارابیا لایه درباری پدیدار می‌شد، پدر بزرگ آلكساندر، ماتوی آنتونوویچ زیلوتی زمین‌دار، دادخواستی برای پیشکش فرنام [عنوان] درباری دودمانی و گنجاندن نام او در دیوان تبارنامه آن بخش‌ها [منطقه‌ها] داد. و پسر او، پدر آلكساندر، ایلیا ماتویه‌ویچ، به‌نوبه خود، از انجمن‌گاه نمایندگان بسارابیا درخواست کرد تا او را از بخش درباری بسارابیا به استان درباری خارکوف جابه‌جا کنند.

به گمان بسیار، داده‌ها در این باره، که آلكساندر زیلوتی در استان خارکوف به دنیا آمد، از این جاست. اما تاریخ‌نویسان برزنی [محل] فرزند [ثابت کردند]، که پسر در زمین‌های مادرش در اِزنامنسکویه، در شهرستان استان تامبوف به دنیا آمد. آیین شستشو [غسل تعمید]ی او در همان‌جا در کلیسای اِزنامنسکوی، بنا شده از سوی واسیلی باژنوف در سال‌های ۱۷۴۳ - ۱۷۴۵، برای ستایش از نماد نگارین دینی مادر آسمانی، انجام شد. آلكساندر آرکادی‌یف -عموی س. و. راخمانینوف برادر تی پدر او- و واروارا واسیلی‌پونا راخمانینووا مادر بزرگ آهنگ‌ساز بزرگ، پدر و مادر خوانده مسیحی او به‌شمار می‌آمدند.



پدر آکساندر بارها همچون سرپرستِ درباری شهرستان برگزیده شده، و همچنین سرپرستِ رایزنی [شورای] زمسکوی استاربلسکی به‌شمار می‌آمد. مادر او، یولیا آرکادی‌یونا، زاده شده بنامِ راخمانینووا، خواهر بزرگِ پدرِ س. و. راخمانینوف، آموزش موسیقیایی بسیار خوب دریافت کرده، دارای آوای زیبایی پایینی بوده، دوست داشت تا رمانس‌ها را بخواند. و پدر بزرگ آکساندر، آرکادی آکساندروویچ، نیز بی‌بهره از توانایی‌های موسیقیایی نبود، پیانونواز بسیار خوبی بود، موسیقی می‌نوشت، ترانه‌های مردمی را گردآوری می‌کرد.

بیشتر دوران کودکی پسر در زمین‌های مادر سپری شد. هنگامی که او ده‌ساله شد، پدر و مادر بر آن شدند تا او را به آموزش‌گاه سپاهی‌گری شهر مسکو بفرستند، گذشته از آن فرزندانِ درباریان می‌توانستند در آنجا از آموزش رایگان آموزش برخوردار شوند (۱۸۷۳). آکساندر با کامیابی آزمون داد، اما در پسین‌ترین آن [لحظه]، پدر و مادر به اندیشه افتادند تا او را به ن. س. ازوروف، استاد آموزش‌گاه والای مسکو نیز نشان دهند. نیکولای سرگه‌یویچ با ارزشیابی توانایی‌های پسر، پدر و مادر او را پذیرا [متقاعد] می‌کند تا پسر خود را به آموزش‌گاه والای موسیقی بفرستند (در آینده آکساندر زیلوتی پدر و مادرِ سرگی راخمانینوف را پذیرا می‌کند تا با پسر خود نیز همان کنند).



آکساندر زیلوتی و سرگی راخمانینوف

با پذیرش در بخش نوجوانان و جوانان آموزش‌گاه والای موسیقی، آکساندر نزد نیکولای سرگیویچ ازوروف سرگرم آموزش شد. در سال ۱۸۷۶ او به بخش بالاتر، به اتاق آموزشی نیکولای گریگوریویچ روبینشتاین، هم سرپرست و هم آموزش‌گر آموزش‌گاه والای موسیقی، و همچنین سرپرستِ اجراهای کنسرتی و نمایش‌های آوازی، سرپرستِ بخش مُسکویی انجمن امپراتوری موسیقی

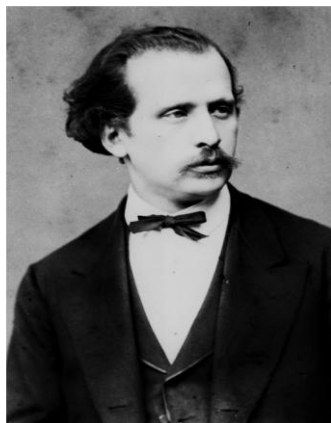
روسیه و رهبر کنسرت‌های سمفونیک فرستاده شد. در این بخش، زیلوتی بدل به یکی از بهترین پیانوآموزان آموزش‌گاه والای موسیقی شد. و چه آموزش‌گرانی آموزگاران او به‌شمار می‌آمدند! او دانش هماهنگی موسیقی [هارمونیا] را نزد پ. چایکوفسکی (که پسان‌تر این آموزش به دوستی پایدار بدل شد)، گُتراپوان را نزد س. ای. تانهیف، دانش همگانی موسیقی را نزد ن. آ. گُبرت فرا گرفت.



آleksander زیلوتی و پیوتر چایکوفسکی

نخستین اجرای همگانی او در ۲۵ ماه اکتبر سال ۱۸۸۰ با ارکستر سمفونیک به رهبری ن. گ. روبینشتاین روی داد، او بخش نخست کنسرتوی وی را اجرا کرد. این اجرا برنامه‌ریزی نشده بود. زیلوتی در این شام‌گاه ناچار شد تا به‌جای ادموند نوپرت، نوازنده بیمار برنامه اجرا کند، از این رو درباره این برنامه تنها در روز اجرا آگاه شد. اما او توانست با اجرای کنسرت از عهده این کار برآید.

در سال ۱۸۸۱ رویداد سوگوارانه‌ای رخ داد. ن. گ. روبینشتاین از دنیا رفت. او با پیش‌بینی پایان زندگی خود، به آleksander پیشنهاد کرد، تا به پیش آموزش‌گر دیگری برود، و بی‌درنگ آزمون پايانی را بدهد. آleksander نیز همین کار را انجام داد. در آن زمان او «از خود»، «اسلامی» بالاکیرف و «وشکِ مرگ» لیست را می‌نواخت. در سال ۱۸۸۲ زیلوتی همه دوره آموزشی آموزش‌گاه والای موسیقی را با برنامه [عنوان] هنرمند آزاد و نشان زرین کوچک به‌پایان رساند.



نیکولای گریگوریویچ روبینشتاین

در سال ۱۸۸۳ آleksander ایلیچ بنابر پیشنهاد روبینشتاین برای رساسازی استادی خود به پیش فرانس لیست به وایمار رفت. به گمان بسیار این لیست بود که در او پایه‌های روشن‌گری‌های موسیقایی را کاشت، زیرا این مجارستانی بزرگ [لیست] به توان نیروی هنری، در درایش [تاثیرگذاری] بر آدم‌ها برای مبارزه با بدی‌ها، باور داشت. درست زیر درایش [تحت تاثیر] لیست، هوده‌های [اصول]

هنری زیلوتی موسیقی‌دان ساخته شدند. آموزش‌ها به‌زودی به دوستی رسیدند: لیست، پیانوآموز خود را «زولوتیسیموس» می‌نامید. به یادبود آموزگار خود، او در سال ۱۸۸۵ انجمن ف. لیست را در وایمار پایه‌گذاری کرد.



زیلوتی و ف. لیست

از سال ۱۸۸۷ آleksander ایلیچ زندگی «هنرمند آزاد» را پشت سر می‌گذارد. در همان سال او با وِرا پاولوونا، دختر بزرگ پاول میخایلوویچ ترتیاکوفِ بازرگان، پیوند زن و شوهری می‌بندد. می‌دانیم که پاول میخایلوویچ پیشه داماد آتی خود را جدی به‌شمار نیاورده و گزینش دخترش را نمی‌پذیرفت. اما هنگامی که تانه‌یف، که در آن دوران سرپرست آموزش‌گاه والای موسیقی به‌شمار می‌آمد، زیلوتی را به جایگاه استادی رشته فورته پیانو فراخواند، دیدگاه او را دگرگون ساخت. با آن‌که دوران آموزش او در آموزش‌گاه والای موسیقی کوتاه بود (۱۸۸۸ - ۱۸۹۱)، ولی شایسته‌ترین جوانان آن دوران را به‌سوی خود می‌کشید. در میان پیانوآموزان آleksander می‌توان از س. و. راخمانینوف، ک. ن. ایگومنوف، آ. ب. گلدن وایزر نام برد.

با کناره‌گیری از پهنه آموزش، آleksander ایلیچ برای ده سال به بیرون از روسیه رفت. زیلوتی با برگزاری پیانی و کامیابانه کنسرت‌ها در آلمان، انگلیس، بلژیک، فرانسه، سوئیس، سوئد و آمریکا، از پایه، هدف بنیادینی پیش روی خود نهاد: شناساندن و پراکندن موسیقی میهنی. او توانست دوستداران پرشوق باخترزمینی موسیقی روسی راخمانینوف، چایکوفسکی، گلازونوف، لیادوف، روبینشتاین، بالاکیرف، تانه‌یف، ناپراونیک و از اینگونه را شیفته سازد...

در سال ۱۹۰۰ زیلوتی با آرزوی آتشین کنشگری روشن‌گرانه، به روسیه باز می‌گردد. در این دوران دستگاه سرپرستی انجمن امپراتوری موسیقی روسیه، آleksander ایلیچ را برای پُر کردن جایگاه رهبر پایه انجمن فیلامونیک مسکو (ا.ف.م.) فرا می‌خواند. در درازای دو موسم [فصل] کار کنسرتی در انجمن، او توانست برنامه اجرایی کنسرت‌های مسکویی را با فراخوان بسیاری از موسیقی‌دانان برای کار در ا.ف.م. نوسازی کند.



شهر مسکو در ابتدای سده بیستم

در دوران زندگی در بیرون از روسیه نیز، زیلوتی با کامیابی همچون رهبر ارکستر برنامه اجرا می‌کرد، اما این کنش‌گری، تنها در روسیه به اندازه‌های همه‌سویانه [کامل] دست پیدا کرد. در سال ۱۹۰۳ با کناره‌گیری از ا.ف.م.، موسیقی‌دان با خانواده‌اش، که در آن دوران دیگر دارای شش فرزند - آلكساندر، ایوان، ورا، اُکسانا، یو، کیری-ینا- بود، برای زندگی به پترزبورگ می‌رود.

در پترزبورگ آلكساندر ایلچ سرگرم سازمان‌دهی کنش‌گری زندگی خود در روسیه می‌شود. سرپرستی «کنسرت‌های آ. زیلوتی»، درست تا سال ۱۹۱۸ ادامه یافت. در کنار کنسرت‌های هم‌بستانه [آبونمان] سمفونیک و انجمن‌گاهی، که در آنها موسیقی‌دانان برجسته اروپایی و میهنی همچون پیانیست‌ها آ. کورتو، ای. گوفمان، و. ساپلنیکوف، ف. بلومنفلد، س. راخمانینوف، س. پراکوفی‌یف؛ ویولونیست‌ها ژ. تیبو، ا. ایزای، ج. اِنسکو، ل. آیزر؛ ویولونچلیست‌ها پ. کازالس، آ. براندوکوف؛ خوانندگان ف. شالیاپین، ل. سویینوف، ن. زاپلا. وروپل، آ. نژدانووا، م. گای و دیگر موسیقی‌دانان برنامه اجرا می‌کردند، «کنسرت‌های آ. زیلوتی» به شنوندگان امکان می‌داد تا با آفریده‌های هنوز ناشناخته آهنگ‌سازان تازه‌کار همچون، م. گِئسین، س. پراکوفی‌یف، ای. استراوینسکی آشنا شوند. ارزش زیلوتی در سرنوشت‌های آنان بیکران است. میخائیل فابیانوویچ گِئسین، برادر خواهران نامدار، گِئسین‌ها، پایه‌گذاران دبیرستان موسیقی مسکو در این باره نوشته بود: «هنگامی که زیلوتی به ما، آهنگ‌سازان جوان کمک می‌کرد، دست به هر کاری می‌زد تا آفریده نوشته شده را "زنده سازد". حتی اگر خود او از آن آفریده زیاد خوشش نمی‌آمد... <...> ویژگی نارومره [نامعمولی] یاری زیلوتی آن بود که او هر جا و هر گاه کمک می‌کرد، اما هیچکس نباید در این باره بداند، و نیازی هم به سپاس‌گزاری نبود. آدمی شگفت‌انگیز بود!»

زیلوتی ده‌ها کنسرت داده، هنر آفرینش‌گرانه جوانان را آگهی و پراکنده می‌کرد. با کمک شامه سرشتین برای شناخت شایستگان از همان ابتدا، او توانست موسیقی آهنگ‌سازان کشورهای دیگر همچون شوسون، رگر، دبوسی و راول را به شنوندگان روسیه بشناساند. کنسرت‌های او در تالار انجمن درباری، در تالارهای بزرگ و کوچک آموزشگاه والای موسیقی پترزبورگ، در خانه نمایش مارینسک برگزار می‌شدند. آلكساندر ایلچ جایگاه ارزشی خود را در آن می‌دید، که دوست‌داران موسیقی را به گونه‌های گوناگون روشن ساخته، چشایی موسیقیایی و گرایش آنان برای شنیدن موسیقی با درجه‌ای والا را پرورش دهد. کنسرت‌های سمفونیک و انجمن‌گاهی، سازماندهی شده از سوی زیلوتی، سوی [جهت] زندگی موسیقیایی-کنسرتی پترزبورگ، و سپس پتروگراد را روشن [مشخص] ساخت. خود او در این کنسرت‌ها، هم همچون پیانیست تک‌نواز، و هم در گروه سازی، و هم همچون رهبر ارکستر برنامه اجرا می‌کرد. در برنامه تک‌نوازی او به‌راستی همه ژانرهای موسیقی فورته پیانویی گنجانده شده بود. در کنار موسیقی هم‌دورانان خود، چایکوفسکی، راخمانینوف، آرنسکی، تانه‌یف، گلزونوف، لیدوف، ناپراونیک، اسکریابین، او هیچ‌گاه کلاسیک‌هایی چون باخ، شوپن و لیست را از یاد نمی‌برد. آنچه که در پیوند با ف. لیست می‌توان گفت، زیلوتی او را می‌پرستید، هم شیفته سرشت [شخصیت] او و هم موسیقی لیست بود و یکی از بهترین اجراکنندگان ساخته‌های آموزگار خود به‌شمار می‌آمد.

در «کنسرت‌ها»، زیلوتی همچنین رهبری هم می‌کرد. در برنامه اجرایی او ۶۰ آفریده موسیقایی از ۹۵ ساخته‌های باخ، هندل، رامو گرفته تا رگر، دبوسی و مینر به چشم می‌خورند.

کار بهینه‌سازی ساخته‌های موسیقایی، یکی دیگر از توانایی‌های او به‌شمار می‌آمد. به‌هنگام زندگی پ. ای. چایکوفسکی، زیلوتی بهینه‌ساز بنیادین و پایدار آفریده‌های او بود. در نامه‌ای به تاریخ ۵ ماه اوت سال ۱۸۹۰ پیوتر ایلچ نوشت: «ساشای گرامی! برای بهینه‌سازی بسیار خوب «بانوی پیک»، نمی‌دانم چگونه از تو سپاس‌گزاری کنم! <...> یک چیز دیگری هست، که من به هیچ‌گونه با تو هم‌رأی نیستم، اما، روی هم رفته، تو بهینه‌ساز شگفت‌انگیزی هستی، و من تو را برای کار بزرگات به‌گرمی در بر می‌کشم». از نامه‌های پراکنده شده در آن دوران، هوده‌های [اصول] بهینه‌سازی کنسرتی آزاد، که تا اندازه‌ی زیادس از لیست سرچشمه گرفته شده بودند، پایه‌کنش‌گری بهینه‌سازی زیلوتی به‌شمار می‌آمد. ساخته‌های بهینه‌سازی شده به‌وسیله زیلوتی امروزه نیز آوایی خوش دارند، و ارزش هنری خود را از دست نداده‌اند. آleksander ایلچ نخستین بهینه‌ساز کنسرت‌های چایکوفسکی به‌شمار می‌آمد. او همچنین پارتیتور سمفونی پنجم چایکوفسکی را بهینه‌سازی کرد (۱۸۸۶)، روی کارکرد آن برای نوازندگی چهاردستی با فورته پیانو نیز کار می‌کرد. با کنش‌گری زیلوتی، رونوشت‌های «بانوی پیک» و «زیبای خفته» و ساخته‌های دیگر برای پیانو پدیدار شدند. در بنیاد بنگاه چاپ نُتی و نوشتارهای آوایی نَسک [کتاب] خانه‌ی کشوری [ملی] روسیه بسیار از آفریده‌های موسیقایی نگهداری می‌شوند، که آنها را زیلوتی برای نوازندگی با پیانو آراسته [تنظیم کرده]. در میان آنها موسیقی سمفونیک آلبنیس، آرنسکی، بیزه، گلازونوف، گینسین، لیادوف، راخمانینوف، اشتراوس، شومان و بسیاری از آهنگ‌سازان دیگر دیده می‌شوند. روی هم رفته شمار آنها نزدیک به ۷۰ است. بیش از بیست کار، تنها آفریده‌های ی. س. باخ - آوازهای گروهی، پیشگفتارهای موسیقایی، کانتات‌ها، دگرگونی‌های آهنگین [واریاسیون‌ها] و کنسرتوها- هستند.



زیلوتی به کنش‌گری آموزشی که بدل به ادامه بی‌درنگ کنش‌گری اجرایی او شد، در درازای همه زندگی گرایش نشان می‌داد و همواره برای موسیقی‌آموزان خود می‌نواخت.

کنش‌گری روشن‌گرانه، سوئی ارزشمند زندگی هنری آفرینش‌گرانه زیلوتی به‌شمار می‌آمد. آگاهی‌کننده پیگیر، آleksander ایلچ در سال ۱۹۱۲ کنسرت‌های همگانی، و در سال ۱۹۱۵، کنسرت‌های رایگان مردمی، که برای پایین‌ترین لایه‌های شهروندان برگزار می‌شدند را سازمان‌دهی کرد. چنین کنسرت‌هایی در تالارهای دانشکده‌های چندپیشه‌ای [پلی تکنیک]، در بناهای کارخانه پوتیلووسک و بورس برگزار می‌شدند. هنرمندان برجسته، تا اندازه‌ای بدون کارمزد در این کنسرت‌ها هنربازی می‌کردند. در سال ۱۹۰۸ زیلوتی، یکی از پایه‌گذاران «انجمن دوست‌داران موسیقی» بود، که جایگاهی پراکنده‌سازی دانش‌های موسیقایی برای شهروندان روسیه، و همچنین پیوند دادن موسیقی‌دانان - اجراکنندگان و آموزش‌گران به یکدیگر انگیزه آن بود- به‌شمار می‌آمد.

در سال ۱۹۱۶ آلكساندر ايليچ شروع به پایه‌گذاری «بنیاد موسیقی روسی» می‌کند، و سرپرست آن می‌شود. در همان سال در سازمان‌دهی انجمن پترزبورگی اسکرپابین هنبازی کرده، هموند انجمن برای نوسازی آموزش و پرورش موسیقایی می‌شود، که در آمیختار آن همچنين آ. ک. گلازونوف، ب. ف. آسافیف، و. گ. کاراتیگین بودند. زیلوتی، هموند انجمن خانه‌های نمایش، آموزش-گاه‌های نمایش‌های آوازی و دراماتیک سراسری روسیه (۱۹۰۹) و سرپرست همبستگی کنش‌گران موسیقایی (۱۹۱۷) به‌شمار می‌آمد.

پس از دگرذیسی ماه فوریه سال ۱۹۱۷ او از سوی دستگاه سرپرستی گذرا، همچون سرپرست خانه نمایش مارینسک برگزیده شد، که پس از دگرذیسی ماه اکتبر سال ۱۹۱۷ نیز سرپرست آن بر جای ماند. کارکنان خانه نمایش در آن دوران دو دسته بودند: یک گروه خواستار نادیده گرفتن فرمان‌های دستگاه نوي سرپرستی کشوری، و گروه دیگر، به رهبری زیلوتی، خواستار اجرای «نمایش‌ها بدون کمیسرها» بود. آ. و. لوناچارسکی، کمیسر مردی آموزش و پرورش، بر آن بود، که چنین اسپاشی [فضا] در خانه نمایش از زیلوتی سرچشمه می‌گیرد، و بی‌درنگ درخواست دستگیری او را کرد.

در شب ۱۳ ژانویه سال ۱۹۱۸ زیلوتی را دستگیر کرده و به «کیرستی» [بازداشتگاهی در شهر سن پترزبورگ] فرستادند. او با تلاش ایوان ایوانوویچ مانوخین، پزشک بیماری سلی دژ پتروپاولوفسک، کنش‌گر همبودگهین [فعال اجتماعی] و از دوست‌داران زیلوتی، آزاد شد. بر روی دیوار بند زندان، در جایی که موسیقی‌دان نگهداری می‌شد، چنین کنده‌کاری شده بود: «در اینجا یاشکا کویپلوف دزد، دوران زندانی خود را می‌گذراند». آلكساندر ايليچ به آن افزوده بود: «و پیانو آموز لیست، زیلوتی».



همچون بسیاری از هنرمندان، که ساختار کشورداری نو را نمی‌پذیرفتند، خانواده زیلوتی روسیه را در سال ۱۹۱۹ ترک کرد. راه ترک کشور از فنلاند آغاز شد. او سپس به آلمان رفت، و از سال ۱۹۲۲ تا پایان زندگی سرپرست آن [خانواده] به آمریکا رسید. زیلوتی با خانواده در شهر نیویورک جای گرفت، اما نتوانست در آنجا کنش‌گری موسیقایی خود را گسترش دهد، و گذشته از آن، خوی گرفتن به کشوری بیگانه نیز برای او سخت به‌شمار می‌آمد. و یک چیز دیگر: او تا پایان سال‌های بیست سده بیستم زبان انگلیسی نمی‌دانست.

در دوران زندگی در بیرون از میهن، زیلوتی تا پایان زندگی دلش برای روسیه تنگ بود، هرچند که در بیرون از کشور، تا پایانی‌ترین روزهای زندگی‌اش، به آلكساندر ايليچ ارج بسیار گذاشته می‌شد و در مرکزهای هنری پراوازه بود. از سال ۱۹۲۶ او در آموزش‌گاه نام‌دار موسیقی جولیارد آموزش می‌داد. با بیش از ده سال کار در آنجا، شمار زیادی از پیانیست‌ها را، که در میان آنان مارک بلیتستاین بیش از همه نام‌دار شد، پرورش داد. آلكساندر ايليچ به سختی تاب میرکانتیلیزم آمریکا را می‌آورد، و بر آن باور بود، که «گرداندن آموزش‌گاه با انگیزه‌های والای راستین، به‌درستی کار استادان، آموزگاران و دانشجویان است، [اما] در کنار این، پول درآوردن، ناشدنی

است».



زیلوتی، تا ژرفای پیری، بیشتر با نواختن آفریده‌های لیست، همچون پیانیستِ تک‌نواز برنامه اجرا می‌کرد.

آکساندر ایلیچ در ۸ دسامبر سال ۱۹۴۵، در ۸۲ سالگی، ۵ سال پس از مرگ زنی از دنیا رفت و در گورستان پرستش‌گاه مسیحی نوودویچی زنانهٔ اسپنسک به خاک سپرده شد. آن‌گونه که زن آکساندر ایلیچ، ورا پاولوونا، کمی پیش از مرگ، خود را «سد در سد مُسکووکا» می‌نامید، نسک [کتاب] یادماندگارهای «در خانهٔ تِرتیاکوف»، چاپ شده در سال ۱۹۵۴ در آمریکا، و ۱۹۹۸ در سال در روسیه را نوشت.

مرد ریگ آکساندر ایلیچ زیلوتی موسیقی‌دان برجسته، برای ما این دیدگاه او است: «کمک به دوستان، بزرگترین خوشبختی بر روی کرهٔ زمین به شمار می‌آید. ناتوانی در کمک به دیگران، بزرگترین بدبختی بر روی کرهٔ زمین به شمار می‌آید».

سرچشمه‌ها:

۱. گاروبِتس س. و. نگارهٔ هنری آفرینش‌گرانهٔ آکساندر زیلوتی (به مناسبت هفتادمین سال مرگ) / دیدگاه نگر فرهنگ. ۲۰۱۵. شماره ۲. برگ‌های ۷۸-۸۳.
۲. گاروبِتس س. و. دریچه‌ها به نگارهٔ آ. ای. زیلوتی: (به مناسبت هفتادمین سال مرگ) / گزارش‌نامهٔ دانشکدهٔ کشوری [دولتی] فرهنگ. سن پترزبورگ. ۲۰۱۵. شماره ۳ (۲۴). ماه سپتامبر. برگ‌های ۱۳۶-۱۳۹.

و. ر. زویف

برگردان از زبان روسی به زبان پارسی از نوشتهٔ و. ر. زویف دربارهٔ آکساندر ایلیچ زیلوتی و گزینش نگاره‌ها از سوی بابک بردیا (موسیقی‌دان، آهنگ‌ساز، پژوهش‌گر موسیقایی، استاد [پروفسور] رشته‌های دانش همگانی [تئوری] موسیقی، ماستر [استاد] هنرهای زیبا، نوازندهٔ پیانو و آموزگار در این رشته‌ها).